

## پیک یزدان

سخنران: دکتر نصرت‌الله محمد حسینی

سخنرانی صد و چهل و هشتم

موضوع: ضوابط تربیت روحانی بهائی

تاریخ اجراء: ۱۹ نوامبر ۲۰۰۴

رادیو پیام دوست: شنوندگان عزیز رادیو پیام دوست، آقای دکتر نصرت‌الله محمدحسینی استاد پیشین دانشگاه طهران و پژوهشگر بهائی، در مسیر شرح تاریخ و تعالیم دیانت بهائی که خود بخشی از بحث کلی ایشان در باره تاریخ و تعالیم آئین‌های آسمانی به ویژه وحدت اساس ادیان الهی است، مدتی است که به مطالعه تاریخ و تعالیم آئین جهانی بهائی می پردازند. ایشان در این مدت هر بار چند هفته در خصوص تاریخ بهائی و چند هفته در باب تعالیم حضرت بهاء‌الله سخن گفته‌اند. آقای دکتر محمدحسینی پانزده هفته پیش بررسی اصل تقدّم تربیت روحانی از اصول اساسی آئین بهائی را آغاز نمودند، ایشان اظهار داشتند که تعلیم و تربیت کودکان در آئین بهائی اعم از تربیت جسمانی، علمی و روحانی امری اجباری و عمومی است و قصور پدران و مادران در این امر عظیم حیاتی سبب سقوط حقّ پدری و مادری آنان می‌گردد و گناهی است نابخشودنی. دختران و پسران تحت نظامی واحد، تعلیم و تربیت می‌یابند و هرگونه تبعیض به ویژه علیه دختران مردود است و تربیت آنان مقدّم بر تربیت پسران است. آقای دکتر محمدحسینی بیان داشتند که در آئین بهائی تربیت روحانی از حیث مقام و اهمیت مقدّم بر تربیت جسمانی و علمی کودک است، اگر چه همواره همراه این دو پویش تربیتی اعمال می‌گردد. ایشان اظهار داشتند که زیربنای تربیت روحانی بهائی نظامی عقیدتی است که به وحدت نوع انسان و عشق و شفقت به همه آدمیان استوار است. تربیت روحانی بهائی قادر است که خشونت، جرم و اعتیاد را از منظر جامعه بزدايد و انسان بدیعی بیافریند که جز عشق به آدمیان و خدمت به نوع انسان هدف دیگری ندارد. امروز آقای دکتر محمدحسینی بررسی اصل تقدّم تربیت روحانی را به پایان می‌برند.

دکتر محمد حسینی: سپاسگزارم، شنوندگان عزیز و پر مهر و باوفای رادیو پیام دوست، پس از درود فراوان، هفته گذشته به عرض رسید که آنچه مکاتب جرم شناسی در باب علت‌شناسی جرم گفته‌اند البته رنگی از حقیقت دارد ولیکن گویای تمام حقیقت نیست. گفتیم جرم اصولاً یک پدیده جامعه‌زاد است حال آنکه مکتب تأثیر عوامل روانی آنرا پدیده‌ای ناشی از نابسامانی روانی می‌داند.

بدیهی است که عوامل روانی نیز در جرم‌زائی مؤثرند چنانکه حضرت بهاء‌الله در لوح کلمات فردوسیّه می‌فرماید:

«تا نفس به مشتیهاتش باقی جرم و خطاء موجود».

لذا پرورش نفس کودک، توجّه به حالات و نیازهای روانی کودک، در مسیر تربیت روحانی بسیار ضروری است. پدران و مادران و مربیان گرامی به محض مشاهده اختلالات و نابسامانی‌های رفتاری و روانی در کودکان و نوجوانان خویش باید بی‌درنگ به روان‌شناسان، روان‌پزشکان و متخصصان مربوطه رجوع نمایند. در آئین بهائی رجوع به پزشک و متخصص درمان بیماری‌های تنی، روان‌تنی و روانی واجب است و نصوص طلعات مقدّس بهائی در این خصوص بسیار است. مجدّداً می‌گوئیم که آئین بهائی البتّه تأثیر عوامل روانی را در جرم‌زائی نادیده نمی‌گیرد ولیکن عامل اصلی جرم‌زائی را عدم تربیت روحانی می‌شناسد. تربیت روحانی بی‌شک تأثیر عوامل نامطلوب جسمانی و روانی را خنثی می‌نماید و یا به کلی کاهش می‌دهد. عوامل روانی و زیستی عوامل مستقیم و اصلی جرم‌زائی محسوب نمی‌شوند. همان‌گونه که ضمن ارزیابی مکاتب تأثیر عوامل جسمانی و روانی گفته‌ایم این مکاتب در اثبات ارتباط مستقیم اختلالات جسمانی و روانی با جرم‌زائی توفیق نیافته‌اند. نظریه اختلال کروموزومی که در چند هفته پیش مورد بررسی قرار گرفته است، مکتبی که مدّعی است دقیقاً پایه ارثی تمایل به جرم مخصوص را در آدمی یافته است همان‌گونه که تیلر (Taylor) و همکارانش تصریح کرده‌اند بسیار خام است و نمی‌تواند مکانیسم‌هایی که مدّعی است تفاوت‌های ارثی را در اختلالات رفتاری مؤثر می‌سازند تبیین نماید و حتّی نشان دهد. به هر حال پژوهش‌های دهه‌های اخیر جرم‌شناسان جهان نشان می‌دهند که عوامل اصلی جرم‌زائی عوامل نامطلوب اجتماعی‌اند. البتّه اختلالات کروموزومی می‌توانند تا حدّی زمینه را برای تأثیر آن عوامل نامطلوب آماده تر سازند ولیکن نمی‌توانند عامل اصلی کجروی باشند. ملاحظه می‌گردد که از هر زاویه به علت‌شناسی کجروی‌های اعضاء جامعه انسانی و از جمله نوجوانان نظر شود اهمیّت تربیت روحانی در جرم‌زدائی مشهود می‌گردد. مراد ما از بررسی مکاتب جرم‌شناسی این بوده است که پدران و مادران و مربیان ارجمند بدین نکته توجّه نمایند که شخصیت آدمی تحت تأثیر عوامل مختلف جغرافیائی، زیستی، روانی و اجتماعی شکل می‌گیرد. توقعات آنان از نوجوانانشان باید در حدّی باشد که استعدادات و قابلیتات آن نوجوانان اجازه می‌دهند. توقع بیش از حدّ، این توقع که «خزف لوءلوء لاء لاء گردد» و «سنگ سیاه گوهر جهانتاب» شود برخلاف اصول تربیت و انصاف و فطرت خلقت است. بدیهی است که تربیت

روحانی، نهایت تأثیر را دارد ولیکن عامل ارث، استعدادات و قابلیت‌های فرد، نیز نباید فراموش گردد. به حقیقت یکی از ضوابط مربوط به تربیت روحانی قبول این حقیقت است که نفوس از حیث استعداد و قابلیت متفاوتند ولیکن این تفاوت، این کثرت مشهود در جامعه انسانی نباید مانع وحدت حقیقی گردد. وحدت در عین کثرت باید در جمعیت بشریت تحقق یابد.

باری از میان مکاتب جرم‌شناسی آرمان‌های مکاتب جامعه‌گرا بیشتر با ضوابط مشروحه در آثار مقدّس بهائی تطبیق می‌نمایند. زیرا جوهر نظریات این مکاتب تأثیر شدید عوامل نامطلوب اجتماعی در جرم‌زائی است. ولیکن مرادمان این نیست که هرچه مکاتب ساخت و یا مکاتب کارکرد اجتماعی بیان کرده‌اند حقیقت محض است. برای مثال کارل مارکس و هواخواهان آرمان‌های او بر نهایت اهمیت تأثیر عوامل اقتصادی در جرم‌زائی تأکید نموده‌اند و مارکس دین و روحانیت را تریاک توده‌ها می‌شناسد. حال آنکه به فرموده حضرت عبدالبهاء چنانچه دقیقاً به مشکلات اقتصادی نظر کنیم غالب آنها طبع معنوی و روحانی دارند. برای مثال مشکل تضاد دو طبقه کارگر و کارفر و بروز اعتصابات لاتحسی (بی‌شمار) ناشی از عدم رعایت اصول عدالت است و عدالت امری معنوی و روحانی است. ملاحظه می‌گردد که پذیرش آرمان کلی مکاتب ساخت اجتماعی و کارکرد اجتماعی مبنی بر نهایت اهمیت تأثیر عوامل نامطلوب اجتماعی در جرم‌زائی بدان معنی نیست که آئین بهائی هرچه این مکاتب گفته‌اند می‌پذیرد. البته مقایسه آئین بدیع جهانی بهائی با مکاتب علمی کاری منطقی و بجا نیست زیرا این آئین با هیچ مکتب روحانی و اجتماعی قابل مقایسه نیست. به هر حال با توجه به بیان حضرت عبدالبهاء که طبع اقتصاد را نیز روحانی فرموده‌اند و موضوع اهمیت نقش تربیت روحانی در حلّ و تعدیل مشکلات جامعه انسانی کاملاً مشهود می‌گردد.

با توجه به مطالعات تجربی (Empirical Studies) عصر حاضر مبتنی بر روش‌های علمی جدید جای انکار نیست که فقدان تربیت مطلوب، فقدان تربیت روحانی، زمینه را برای ارتکاب اعمال ضدّ انسانی و اجتماعی فراهم می‌سازد. بدیهی است عوامل طبیعی، زیستی و روانی نیز در تشکل ظرفیت جنائی آدمی سهم‌اند ولیکن فاقد اهمیت عظیم تأثیر عوامل اجتماعی در جرم‌زائی‌اند و اصولاً پس از تراوش و سریان در مجاری جامعه و تأثر از پویای اجتماعی و نیز نارسائی نظارت مطلوب اجتماعی نقش حسّاس می‌یابند. این واقعیت در باب علّت‌شناسی اعتیاد به مخدّرات و مسکرات نیز امروزه در جهان علم مورد پذیرش است و اصولاً این کجروی‌ها معلول عوامل نامطلوب اجتماعی است و به نوعی که قبلاً به تفصیل گفته‌ایم تربیت روحانی مهم‌ترین عامل

پیشگیری و بازداری از اعتیاد است. همانگونه که چندبار در این برنامه توضیح گشته است اگر چه تربیت روحانی از حیث مقام و اهمیّت مقدم بر تربیت جسمانی و علمی کودک است ولیکن به واقع باید همراه آن دو پویش تربیتی اعمال گردد. تربیت روحانی تربیت ایمانی و اخلاقی کودک است. تربیت روحانی بهائی موجب می‌گردد که شخص مقررات اخلاقی را زیر پای نهد و این جریان عامل اساسی اصلاح اجتماعی است. پدران و مادرانی که ضوابط و مقررات اخلاق بهائی را از همان سال‌های نخستین حیات کودک بدو القاء می‌نمایند، بدو تعلیم می‌دهند، به حقیقت انسانی شریف می‌آفرینند که هرگز گزندش به احدی نمی‌رسد، انسانی که باور دارد حیات موهبت الهی است و باید آن را به زیور راستی و درستی زینت بخشید، چنین انسانی هرگز گرد خشونت، جرم و اعتیاد نمی‌گردد. هرچه پدر و مادر در تربیت روحانی فرزند خویش صرف وقت نمایند به ظاهر ظاهر نیز سود دنیوی دارد. زیرا فرار نوجوانان از خانه و کاشانه، گرفتاری در دام تبهکاران، ارتکاب جرم و استغراق در اعتیاد به بهای نابودی آنان و نابودی سعادت و حیات پدران و مادران تمام می‌شود. آنان که به هر دلیل و از جمله به بهانه گرفتاری‌های زندگی در تربیت روحانی کودکان قصور می‌ورزند به نصّ حق به راستی مرتکب گناهی نابخشودنی می‌شوند و حقّ پدری و مادری خویش را از دست می‌دهند. زیرا در انجام عظیم‌ترین وظیفه حیاتی خویش که تربیت اخلاقی اولاد است تقصیر کرده‌اند.

اجازه بفرمائید در پایان مبحث مربوط به اصل تقدّم تربیت روحانی دو باره تربیت روحانی از دیدگاه ائین بهائی تعریف شود و دقائق مربوط به آن به اختصار توضیح گردد. تربیت در مفهوم عام پرورش جسمانی، علمی و اخلاقی نوع انسانی است. مراد از پرورش جسمانی حفظ سلامت جسم کودک است. مقصود از تربیت علمی آموزش خطّ و زبان و معارف علمی، هنری و فلسفی به اوست. تربیت روحانی کودکان خلق عرفان و ایمان به یزدان، آفریدگار جهان، در قلوب آنان و تعلیم ضوابط اخلاقی بدانان است. ضوابطی که حضرت بهاء‌الله در این عصر نورانی به اراده الهی وضع فرموده‌اند. زیربنای تربیت روحانی بهائی نظام بدیعی است که جوهر ادیان آسمانی در آن است و نیز حاوی مقررات جدیدی است که روح عصر است و با توجه به مقتضیات زمان به اراده الهی وضع گشته است. زیربنای تربیت روحانی بهائی بر اصول، ارکان یا پایه‌هایی استوار است که برنامه پیک یزدان حدود سه سال است در توضیح آن اصول تلاش کرده است. اصل توحید یعنی اعتقاد به خداوند واحد، اصل رحمانیّت انسانی، اصلی که به کودک می‌آموزد که مظهر صفات الهی است و چون عشق و شفقت خداوند عامّ است، آدمی باید به همگان از هر جنس، رنگ،

نژاد، و آرمان عشق و شفقت ورزد، اصل خلود یا جاودانگی حیات انسانی، اصلی که به همگان می‌آموزد که حیات جسمانی ما یک مرحله از حیات جاودانه ماست و روح باقی است و عالم وجود دار مجازات و مکافات است و هر عمل، هر کنش، در جهان هستی واکنش دارد. آدمی باید مراقب باشد و مرتکب عملی نشود که خلاف نظام هستی (که بر راستی و درستی استوار است) و مابین با اراده خداوند مهربان باشد. اصل تکامل وجود و از جمله انسان، اصل تکال جامعه انسانی، اصل لزوم دین، اصل استمرار فیض الهی، اصل وحدت اساس ادیان الهی، اصل وحدت نوع انسان و از جمله تساوی حقوق زنان و مردان، اصل مرجعیت نصوص اصلی که به ما می‌آموزد از بیان خداوند که وسیله حضرت بهاءالله در این عصر به آدمیان ابلاغ گشته است تبعیت نمائیم و نه روایاتی که درستی یا نادرستی آنها مورد تردید است. اصل تقدس کل شیئی، اصلی که به همگان آموزد که خداوند مقدس است، مظهر الهی یعنی مربی آسمانی مقدس است، حقوق حقه آدمیان مقدس است، رعایت حال حیوان ضابطه مقدس است و طبیعت به ظاهر بی‌جان آئینه جمال و جلال الهی است باید تقدس آن حفظ گردد و اگر شکسته شود سیمای آدمی نیز در آن نازیبا دیده می‌شود و زیبایی‌ها به نازیبائی‌ها بدل گردد، و سرانجام اصل تقدم تربیت روحانی، اصلی که به ما می‌آموزد که تربیت روحانی از حیث مقام و اهمیت مقدم بر تربیت جسمانی و علمی کودک است. مجموعه این اصول و قواعدی که تا کنون توضیح کرده‌ایم و اصول و قواعدی که در گفتارهای آینده بررسی خواهد گشت زیربنای تربیت روحانی بهائی است که به همگان به ویژه کودکان وسعت نظر، مدارا با مردمان و شفقت به همگان می‌آموزد و به فرموده حضرت بهاءالله باید به گونه‌ای به کودکان تعلیم شود که هرگز در آنان تعصب جاهلانه نیافریند. باری مجموعه این کلیات و جزئیات است که نظام تعلیم و تربیت بهائی را شکل می‌دهد. مراد از این سخن این نیست که آئین بهائی یک مکتب خاص تعلیم و تربیت در مفهوم تنگ و مضیق علمی است. آئین بهائی به موضوع تعلیم و تربیت در مفهوم عام و شامل خود می‌نگرد و مظاهر مقدسه الهیه را معلمان و مربیان آسمانی می‌خواند و تربیت نفوس انسانی را در این دور نورانی منوط به اتباع از تعالیم آسمانی حضرت بهاءالله می‌داند. جان کلام آنکه تربیت جسمانی و علمی باید منضم به تربیت روحانی گردد. به بیان گویاتر هرگونه تربیت باید در ظل تربیت روحانی باشد. تربیت روحانی، تربیت عرفانی و اخلاقی، آدمی را فرشته می‌کند و جامعه انسانی را به سوی سعادت حقیقی که مطلوب همه مظاهر الهی و نفوس انسانی در ادوار گذشته نیز بوده است می‌کشد. اگر اصول و قواعدی که آئین حضرت بهاءالله به جهت تربیت روحانی افراد انسانی ارائه کرده است مورد عمل قرار

گیرد، نابسامانی‌های موجود سامان می‌یابد، خشونت، جرم و اعتیاد از جامعه انسانی محو می‌گردد، قلوب نورانی می‌شود و سرانجام پرچم صلح اعظم بر قله جبال عالم به اهتزاز می‌آید.  
سپاسگزارم

©2005 Bahá'í International Radio Service, "Payam-e-Doost" Radio Program (www.bahairadio.org)

حقوق کلیه مطالب درج شده در سایت "رادیوی پیام دوست"، برنامه فارسی رادیوی بین‌المللی بهائی، محفوظ است.  
این متن تنها برای مطالعه شخصی است و استفاده از آن به شرط ذکر منبع "رادیوی پیام دوست" و بدون هیچگونه تغییر و یا ویراستاری مجاز می‌باشد.